

میزان عفونت در جایگزینی اولیه قطعات استخوان در شکستگی های فرو رفته ی پیچیده جمعده ی بیماران جراحی شده در بیمارستان نقوی کاشان طی سال های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۴

همایون تابش^{*۱}، اسماعیل فخاریان^۱، ملکه دلجو^۲، اکبر علی اصغرزاده^۳، حسین اکبری^۴

خلاصه

سابقه و هدف: یکی از انواع آسیب های ناشی از آسیب سر شکستگی های فرو رفته پیچیده ی جمجمه است. درمان این شکستگی ها بر اساس روش بازگرداندن اولیه ی قطعات استخوانی با تخلیه ی قطعات فرو رفته و عمل ترمیم تاخیری مورد اتفاق نظر همگانی نیست. در این مطالعه میزان عفونت در جایگزینی اولیه ی قطعات استخوان در آسیب دیدگان شکستگی جمجمه ی بستری در بیمارستان نقوی کاشان طی سال های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۴ صورت گرفت.

مواد و روش ها: این مطالعه با استفاده از داده های موجود بر روی ۶۰ آسیب دیده شکستگی جمجمه با آسیب غیر نافذ انجام شد. سن، جنس، فاصله ی زمان بستری تا عمل، نوع جراحی، شدت آسیب و مدت زمان بستری ثبت و میزان عفونت مورد بررسی قرار گرفت و یافته ها به درصد نشان داده شد.

نتایج: نسبت مرد به زن ۷/۶ به ۱ و سن $19 \pm 12/4$ سال بود. بیشترین تعداد با ۱۹ نفر (۳۱/۸ درصد) در گروه سنی ۲۰-۱۱ بود. بیشترین علت حادثه تصادف با موتورسیکلت در ۴۵ مورد (۷۵ درصد) بود. ۳۹ نفر (۶۵ درصد) پارگی پرده ی دورا داشتند و بیشترین محل شکستگی در نواحی پیشانی (۳۷ نفر، ۵۳ درصد) بود. ۲۸ نفر (۴۶/۶ درصد) دچار ضربه ی مغزی خفیف، ۱۳ نفر (۲۱/۷ درصد) متوسط و ۱۹ نفر (۳۱/۷ درصد) شدید بودند. در ۵۴ نفر (۹۰ درصد) جایگزینی اولیه ی قطعات استخوان انجام شد. ۵۴ نفر (۹۰ درصد) در کمتر از ۲۴ ساعت از زمان حادثه عمل شدند. در پیگیری ۶ ماهه هیچ موردی از عفونت زخم و استخوان در بیماران مشاهده نگردید.

نتیجه گیری: فراوانی عفونت در شکستگی های فرو رفته ی پیچیده از رقم پایینی برخوردار می باشد، از این رو در مواردی که آلودگی زخم شدید نباشد استفاده از روش جایگزینی اولیه قطعات توصیه می گردد.

واژگان کلیدی: ترمیم اولیه ی نقص استخوان، آسیب غیر نافذ سر، شکستگی فرو رفته ی پیچیده ی جمجمه، عفونت استخوان

۱- استادیار گروه جراحی مغز و اعصاب دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی کاشان، مرکز تحقیقات تروما

۲- پزشک عمومی، دانشگاه علوم پزشکی کاشان

۳- استادیار گروه فیزیک پزشکی دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی کاشان

۴- مربی گروه بهداشت عمومی و آمار دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی کاشان

* نویسنده مسوول: همایون تابش

آدرس: کاشان، کیلومتر ۵ بلوار قطب راوندی، بیمارستان شهید بهشتی، گروه مغز و اعصاب

پست الکترونیک: homtabesh@yahoo.com

تلفن: ۰۳۶۱ ۵۵۵۰۰۲۶

دورنویس: ۰۳۶۱ ۵۵۵۸۹۰۰

تاریخ دریافت: ۸۶/۱۰/۱۱

تاریخ پذیرش نهایی: ۸۷/۲/۱۰

مقدمه

(Compound Depressed Fracture, CDF) گفته می شود [۱]

۲. میزان بروز این آسیب از ۱۰ در میلیون در دهه ی ۱۹۶۰ به ۲۰ در میلیون در دهه ی ۱۹۷۰ رسیده است [۳]. در این آسیب ها احتمال نفوذ آلودگی به داخل زخم از جمله قطعات شکسته ی استخوان و نسج مغز زیر استخوان وجود دارد. درمان استاندارد CDF، انجام جراحی شامل بالا آوردن فرو رفتگی و خارج کردن

یکی از انواع آسیب های سر، شکستگی فرو رفته است که در اثر برخورد جسم سخت با سطح مقطع کوچک با جمجمه ایجاد می شود. در صورتی که پوست و نسج زیر آن در روی محل شکستگی دچار پارگی باشد و استخوان شکسته با محیط بیرون ارتباط داشته باشد به آن شکستگی فرو رفته ی باز یا پیچیده

در یک بررسی در مرکز طبی دانشگاه لوئیزیانا بر روی ۳۲ بیمار با CDF که تحت عمل جراحی قرار گرفته بودند، نتیجه‌گیری گردید که جایگزینی زودرس (ظرف ۷۲ ساعت) قطعات استخوان میزان عفونت را افزایش نمی‌دهد و لذا پیشنهاد نموده به جای تخلیه، استخوان‌ها به محل نقص استخوان بازگردانده شوند [۱۰]. علی‌رغم آن که این موضوع بیش از یک قرن است که مورد بررسی قرار دارد اما هنوز روش ثابت و مورد توافق همگانی در مورد آن وجود ندارد. با توجه به اهمیت موضوع و تناقضات مطرح، این مطالعه به منظور تعیین میزان عفونت در بازگرداندن قطعات استخوانی در شکستگی فرورفته پیچیده در بیماران جراحی شده در بیمارستان نقوی کاشان طی سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۴ انجام شد تا نتایج این روش، مورد استفاده‌ی سایر جراحان قرار گرفته و در برخورد با چنین مواردی از روش درمانی مناسب استفاده نمایند.

مواد و روش‌ها

این مطالعه با استفاده از داده‌های موجود بر روی ۶۰ بیمار با CDF در اثر آسیب غیرناقص که تحت عمل جراحی قرار گرفته بودند، انجام شد. روش کار شامل عمل جراحی در اولین زمان ممکن با هدف بازگرداندن قطعات استخوانی به محل نقص استخوان بود. در طی عمل جراحی ضمن انجام دیریدمان زخم، شستشو، تخلیه‌ی اجسام خارجی، تخلیه‌ی کونتوزن و هماتوم و ترمیم پرده‌ی دورا قطعات استخوانی توسط محلول سالین شستشوی فراوان داده می‌شد. در صورتی که قطعات بزرگ بود توسط نایلون به هم متصل می‌گشت و در محل کرائیکتومی قرار داده و به استخوان اطراف متصل می‌گردیدند و در صورتی که نقص استخوان کوچک‌تر و قطعات خردتر بودند قطعات کوچک پس از شستشو در محل کرائیکتومی قرار داده می‌شد و سپس فاشیای عضله به کمک نخ نایلون بر روی آن قطعات ریز پوشش داده می‌شد تا از جا به جایی قطعات جلوگیری نموده و سپس پوست روی آنها پوشش بعدی را تأمین کند. کلیه‌ی بیماران پس از عمل جراحی حداقل به مدت سه روز آنتی‌بیوتیک وریدی دریافت نمودند و پس از ترخیص تا شش‌ماه پیگیری شدند. سن، جنس، فاصله‌ی زمان بستری تا عمل، نوع جراحی، شدت آسیب و مدت زمان بستری ثبت و مورد بررسی قرار گرفت.

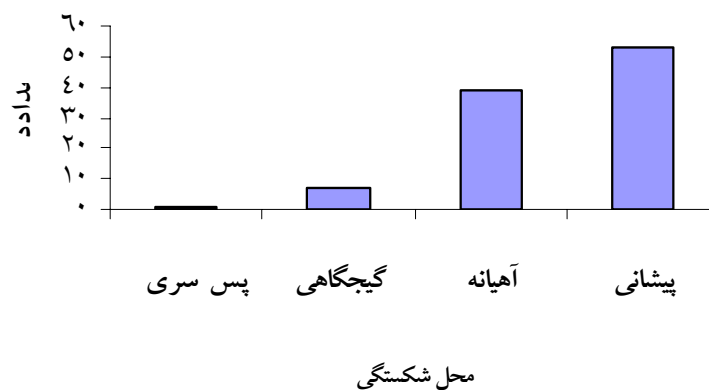
نتایج

از ۶۰ بیمار جراحی شده ۵۳ نفر (۸۸/۴ درصد) مرد و ۷ نفر (۱۱/۶ درصد) زن بودند. نسبت مرد به زن ۷/۶ به ۱ است. سن بیماران $19 \pm 12/4$ و دامنه‌ی آن از ۲ تا ۵۰ سال بود. بیشترین

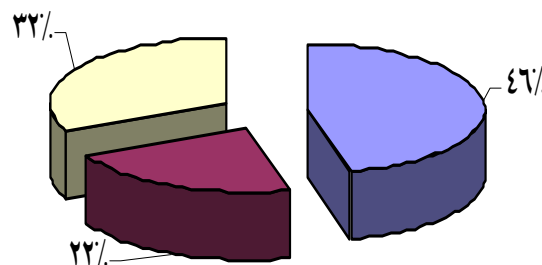
قطعات شکسته شده‌ی استخوان، اجسام خارجی از جمله قطعات مو، ذرات شن و خاک است [۳]. در این بین دغدغه‌ی همیشگی جراح امکان عفونت پس از عمل می‌باشد [۲] چون قطعات استخوان به دلیل نداشتن عروق خونی فاقد جریان خون و دفاع مناسب در مقابل عفونت می‌باشند و در صورت عفونت لازم است دوباره زخم باز شده تخلیه شود و قطعات عفونی شده استخوان تخلیه شده و پس از دیریدمان زخم و شستشو، درمان آنتی‌بیوتیک طولانی مدت از طریق وریدی اجرا شود. این نگرانی باعث می‌شود که در بعضی موارد جراحان به صورت محافظه‌کارانه رفتار نموده و در عمل جراحی از ابتدا قطعات فرورفته را تخلیه نموده و بنابراین نقص استخوانی ایجاد شده را از طریق یک جراحی دیگر به وسیله‌ی پیوند استخوان از خود بیمار، یا سیمان استخوان و یا implant تیتانیومی پر نمایند [۴]. عمل بازسازی جمجمه ضمن اینکه لزوم بیهوشی دوباره و هزینه‌های اقتصادی عمل دوم را به بیمار تحمیل می‌کند عوارض خود از جمله احتمال عفونت گرافت و یا implant و نیز بدشکلی را نیز در بر خواهد داشت [۲، ۱۰، ۱۱]. احتمالاً Macewen در سال ۱۸۸۸ اولین کسی است که از جایگزینی قطعات شکسته‌ی استخوان دفاع کرد. در سال ۱۹۴۲ Coleman قطعات استخوانی را فقط در صورت آلوده نبودن و سالم بودن پرده‌ی دورا جایگزین نمود [۳] و در سال ۱۹۵۷ Lysterly [۵]. قطعات را حتی در مواردی که پرده‌ی دورا پاره بود. پس از ترمیم کامل پرده‌ی دورا در ۲۴ ساعت اول، دوباره جایگزین نمود. در سال ۱۹۶۶ Lewin برداشت کامل قطعات شکسته که اغلب با مواد آلوده و مو همراه است را به عنوان روش رایج مطرح نموده و بازگرداندن قطعات شکسته را فقط در صورت عدم وجود هرگونه آلودگی، سالم بودن پرده‌ی دورا و امکان انجام جراحی در چند ساعت اول پس از حادثه ممکن دانست [۶]. در سال ۱۹۶۹ Kriss, Taren, and Kahn با مطالعه بر روی ۷۹ آسیب‌دیده با جایگزینی استخوان و پیگیری درازمدت فقط در دو مورد عفونت را گزارش نمودند [۷]. در یک مطالعه در مرکز طبی والتون لیورپول بر روی ۷۳ بیمار که به دلیل CDF تحت عمل جراحی قرار گرفته بودند. میزان عفونت پس از عمل ۸/۲ درصد بوده و استفاده از آنتی‌بیوتیک به طور پروفیلاکسی نتوانسته میزان عفونت پس از عمل را کاهش دهد [۸]. همچنین در مطالعه‌ی دیگر در آفریقای جنوبی ۵۵ مورد امپیم داخل جمجمه به دنبال آسیب بررسی گردیدند. از این تعداد، ۴۱ نفر را موارد CDF عفونی شده تشکیل می‌دادند و درمان جراحی شامل خارج کردن قطعات استخوان عفونی و دیریدمان زخم و آنتی‌بیوتیک همراه با ۱۶/۴ درصد موربیدیته و ۱۴/۵ درصد مورتالیتی بوده است [۹].

بین این ۶ نفر، ۵ نفر جایگزینی اولیه قطعات شدند. همان طور که نمودار شماره ۲ نشان می‌دهد از نظر شدت ضربه‌ی مغزی بیشتر آسیب‌دیدگان دچار ضربه‌ی مغزی از نوع خفیف (۲۸ نفر، ۴۶/۶ درصد) بودند. ۳۲ نفر (۵۳/۴ درصد) از آسیب‌دیدگان دارای له‌شدگی بافت مغز، ۱۶ نفر (۲۶/۶ درصد) هتاموم اپیدورال، چهار نفر (۶/۶ درصد) خون‌ریزی داخل بافت مغز و ۲ نفر (۳/۴ درصد) هتاموم ساب دورال داشتند. پنج نفر بیش از یکی از این آسیب‌ها را داشته و یازده نفر (۱۸/۳ درصد) آسیب دیگری نداشتند. کمترین مدت بستری ۳ روز و بیشترین آن ۱۰ روز با میانگین $9/2 \pm 7/7$ بود. ۱۹ بیمار (۳۱/۷ درصد) ۸ روز، ۱۸ بیمار (۳۰ درصد) ۵ روز، و ۱۵ بیمار (۲۵ درصد) ۱۰ روز و بیشتر بستری بودند. ضربه‌ی مغزی خفیف: ۱۵ تا ۱۳ GCSS، ضربه‌ی مغزی متوسط: ۱۲ تا ۹ GCSS، ضربه‌ی مغزی شدید: ۸ تا ۳ GCSS

تعداد با ۱۹ نفر (۳۱/۸ درصد) در گروه سنی ۲۰-۱۱ و پس از آن ۱-۱۰ سال با ۱۸ نفر (۳۰ درصد) بودند. بیشترین علت حادثه تصادف وسیله‌ی نقلیه با ۴۸ نفر (۸۰ درصد) بود. از این تعداد در ۴۵ مورد (۷۵ درصد) موتورسیکلت نقش داشت. از این بیماران ۳۹ نفر (۶۵ درصد) پارگی پرده‌ی دورا داشتند. نمودار شماره ۱ نشان‌دهنده‌ی فراوانی شکستگی‌های مجامعه می‌باشد، بیشترین محل شکستگی در ناحیه‌ی پیشانی با فراوانی ۳۷ نفر (۵۳ درصد) و آهیانه ۲۷ نفر (۳۹ درصد) بود (در ۱۰ مورد شکستگی در بیش از یک ناحیه وجود داشت). در ۵۴ نفر (۹۰ درصد) جایگزینی اولیه قطعات استخوان انجام شد و در ۶ نفر (۱۰ درصد) به دلیل آلودگی شدید زخم از جایگزینی اولیه قطعات خودداری گردید. ۵۴ نفر (۹۰ درصد) در کمتر از ۲۴ ساعت از زمان حادثه تحت عمل جراحی قرار گرفتند و ۳ نفر (۵ درصد) پس از ۲۴ ساعت و ۳ نفر (۵ درصد) پس از ۴۸ ساعت از حادثه تحت عمل قرار گرفتند. از



نمودار ۱- توزیع شکستگی‌های مجامعه بر اساس محل آناتومیک شکستگی در ۶۰ بیمار (با ۷۰ شکستگی) جراحی شده در بیمارستان نقوی کاشان، ۱۳۸۴-۱۳۷۵



نمودار ۲- درصد فراوانی شدت ضربه‌ی مغزی در بیماران مورد مطالعه

بحث

در دوره‌ی پیگیری شش‌ماهه بیماران هیچ موردی از عفونت مشاهده نگردید. در مطالعه‌ی (2007) Lal بر روی ۵۶ بیمار ۳ مورد (۵/۳۵ درصد) عفونت پس از عمل گزارش شد که دو مورد از آنها پس از ۸ ساعت از حادثه تحت عمل قرار گرفته بودند [۱۱]. در مطالعه‌ی (1999) Wylen بر روی ۳۲ آسیب‌دیده CDF هیچ موردی از عفونت گزارش نشد [۱۰]. در بررسی (2007) Maqsood با ۵۱ آسیب‌دیده ۳ مورد (۵/۸ درصد) عفونت و استئومیلیت گزارش شد [۲]. در مطالعه‌ای (1972) Braakman با ۲۲۵ نمونه عفونت در ۵ مورد از ۱۰۹ بیماری که استخوان آنها باز گردانده شد و ۶ مورد از ۵۶ بیماری که استخوان آنها دور ریخته شده بود، دیده شد [۳]. در بررسی (2003) Mumtaz روی ۹۸ آسیب‌دیده ۴ مورد (۳/۹۲ درصد) مننژیت گزارش شد [۱۴]. در بررسی (1991) Blankenship et al بر روی ۳۱ کودک در پیگیری موردی از عفونت مشاهده نشد [۱۳]. به نظر می‌رسد کرائیکتومی حتی پس از ۲۴ ساعت در درمان این بیماران روش مناسبی نبوده و با توجه به عدم وجود عفونت در مطالعه‌ی حاضر و برخی دیگر از مطالعات [۱۰، ۱۳] و آمار نسبتاً پایین عفونت در سایر مطالعات [۲، ۳، ۱۱، ۱۴] می‌توان مبنای کار را بازگرداندن قطعات به جای خود قرار داد و تنها در مواردی اقدام به تخلیه‌ی قطعات نمود که آلودگی زیاد باشد. نسبت مرد به زن در این مطالعه ۷/۶ به ۱ است. در سایر مطالعات این نسبت ۶ به ۱ [۱۰، ۲/۷] به ۱ در کودکان و ۱۰ به ۱ در بزرگسالان [۱۱] و ۲/۵ به ۱ [۲] بوده است. در بررسی فراوانی آسیب‌های مغزی در همین مرکز این نسبت ۳/۵ به ۱ بود [۱۲]. تفاوت آمار این مطالعه با سایرین احتمالاً ناشی از آمار بالای سوانح ناشی از موتورسیکلت و استفاده‌ی زیاد از آن توسط مردان است که در ۷۵ درصد موارد دیده شد. بیشترین محل آسیب به ترتیب نواحی پیشانی و آهیانه بود و پارگی پرده‌ی دورا در ۶۵ درصد موارد دیده شد. در مطالعات Maqsood; Brakman; Lal موارد آهیانه بیش از پیشانی گزارش شده است [۲، ۳، ۱۱]. پارگی پرده‌ی دورا در سایر گزارشات ۳۲ درصد [۱۳]، ۳۹ درصد [۱۱]، ۵۱ درصد [۳] و ۵۹ درصد [۲] بوده است. این یافته‌ها بیانگر شدت آسیب بیشتر در آسیب‌دیدگان این مطالعه است. تفاوت در محل آسیب را شاید بتوان با ساز و کار آسیب که در این مرکز بیشتر تصادف با موتورسیکلت بوده، عدم استفاده از کلاه ایمنی، و نیز شیوع بیشتر افتادن و دیگر علل آسیب در سایر منابع [۱۱، ۳] جستجو کرد. در این بررسی ۴۶/۶ درصد موارد در گروه ضربه‌ی مغزی خفیف، ۲۱/۷ درصد در گروه

متوسط، ۳۱/۷ درصد در گروه آسیب‌های شدید مغزی قرار گرفتند. انواع آسیب داخل جمجمه در ۸۲ درصد از آسیب‌دیدگان با له‌شدگی بافت مغز در ۵۳/۴ درصد، همتوم اپیدورال در ۲۶/۶ درصد، خونریزی داخل بافت مغز در ۶/۶ درصد و همتوم ساب دورال در ۳/۴ درصد دیده شد. این در حالی است که در بررسی فخاریان و همکاران در این مرکز حدود ۹۱ درصد از بستری-شدگان در گروه خفیف قرار داشتند و شکستگی فرورفته‌ی جمجمه در ۳/۶ درصد و آسیب داخل جمجمه در ۳۰ درصد از کل آسیب-دیدگان دیده شد [۱۲]. در مطالعه‌ی (2007) Maqsood ۸۸/۲ درصد از بیماران در گروه خفیف قرار داشتند و ۶۲/۸ درصد با ترکیب ۱۱/۸ درصد اپیدورال، ۴۱/۲ درصد له‌شدگی و ۹/۸ درصد ساب‌دورال، دارای همتوم همراه بودند [۲]. در مطالعه‌ی Lal (2007) ۸۲ درصد در گروه خفیف، ۱۲/۵ درصد در گروه متوسط و ۵/۵ درصد در گروه ضربات شدید قرار داشتند و ۴۱/۳ درصد با ترکیب ۲۵ درصد له‌شدگی، ۱۴/۳ درصد اپی‌دورال و ۲ درصد آسیب منتشر آکسونی بودند [۱۱]. در بررسی Wylen (1999) ۸۴/۴ درصد در گروه خفیف بودند و ۶۰ درصد با ترکیب ۲۸ درصد اپی‌دورال، ۱۹ درصد له‌شدگی و ۱۳ درصد ساب‌دورال، آسیب همراه داشتند [۱۰]. یافته‌های فوق حکایت از شدت بیشتر آسیب در آسیب‌دیدگان این مرکز دارد، که علت احتمالی آن را باید در نحوه‌ی استفاده از وسایل نقلیه و به ویژه موتورسیکلت و نیز عدم رعایت اصول ایمنی در محیط‌های کار و زندگی دانست. مدت بستری با توجه به مصرف آنتی‌بیوتیک پس از عمل در بیماران $9/2 \pm 7/7$ بود که با سایر مطالعات تفاوت نداشت [۱۰، ۱۱]. در این بررسی ۹۰ درصد (۵۴ نفر) از آسیب‌دیدگان در ۲۴ ساعت اول پس از آسیب تحت عمل جراحی قرار گرفتند. در بررسی (1972) Braakman ۸۵ درصد اعمال جراحی در ۲۴ ساعت اول انجام شد و ارتباطی بین زمان عمل و عفونت دیده نشد [۳]. در بررسی (2007) Lal ۸۲ درصد موارد در ۲۴ ساعت اول عمل شدند و تفاوتی در میزان عفونت با مواردی که دیرتر عمل شدند نشان داده نشد [۱۱]. در مطالعه‌ی (1999) Wylen در ۹۱ درصد موارد عمل جراحی در ۲۴ ساعت اول انجام شد و موردی از عفونت گزارش نشد [۱۰]. در مطالعه Maqsood (2007) عمل جراحی در ۶۸/۶ درصد موارد در ۲۴ ساعت اول انجام شد. میزان عفونت در این گروه ۵/۸ درصد بود [۲]. اگرچه با هدف جلوگیری از رشد ارگانیسم‌ها در محل آسیب بهتر است عمل جراحی هر چه زودتر انجام شود، اما به نظر می‌رسد دبریدمان زخم و شستشوی فراوان آن مهم‌تر از این عامل بوده و زمان تأثیری در میزان عفونت نداشته باشد. با توجه به نتایج فوق و این که علی-

رغم شدت بیشتر آسیب در آسیب‌دیدگان این مطالعه عفونتی در آنها مشاهده نگردید توصیه می‌شود در آسیب‌دیدگان CDF برنامه-ی کلی، بازگرداندن اولیه‌ی قطعات استخوانی شکسته به محل خود باشد. این راه‌کار علاوه بر حذف نیاز به عمل جراحی برای کرانیوپلاستی، خطر عمل دوباره و هزینه‌های آن، احتمال ترمیم بهتر زخم را هم از جهت جوش خوردن استخوان و هم از نظر شکل زیباتر آن فراهم می‌کند.

مردان بیشتر از زنان دچار این نوع شکستگی بودند و اغلب به خاطر تصادف با موتورسیکلت بود و بیشترین شکستگی در ناحیه استخوان پیشانی مشاهده شد. میزان عفونت در شکستگی فرورفته پیچیده بسیار پایین بود که خود نشان دهنده‌ی این است که در مواردی که آلودگی زخم شدید نباشد می‌توان از روش جایگزینی اولیه قطعات استفاده کرد.

References:

- [1] Francel PC. Honeycutt J. Mild Brain Injury in Children, Including Skull Fractures and Growing Fractures. In: Richard Winn H. Editor, Youmans neurological surgery 5th ed. Philadelphia, W.B. Saunders Company: 2005. p. 3461-3472.
- [2] Maqsood A. Ishfaq A. Nazeer AQ. Sabir HB. Asim I. Outcome of Primary Bone Fragment Replacement in Compound Depressed Skull Fractures. *JCPSP* 2007; 17: 744-748.
- [3] Braakman R. Depressed skull fracture: Data, Treatment, and Follow-up in 225 Consecutive Cases. *Journal of Neurology Neurosurgery and Psychiatry* 1972, 35: 395-402.
- [4] Prabhu SS. Zauner A. Ross Bullock MR. Surgical Management of Traumatic Brain Injury. In: Richard Winn H. Editor, Youmans neurological surgery 5th ed. Philadelphia, W.B. Saunders Company: 2005. p. 5145-5180.
- [5] Lyerly JG. The Treatment of Depressed Fractures of the Skull with Special Reference to the Repair of the Cranial Defect. *American Surgeon* 1957; 23: 1115-1121.
- [6] Lewin W. Compound fractures. In The Management of Head Injuries. London, Bailliere: 1966. p. 171-187.
- [7] Kriss FC. Taren JA. Kahn EA. Primary Repair of Compound Skull Fractures by Replacement of Bone Fragments. *Journal of Neurosurgery* 1969; 30: 698-702.
- [8] Al-Haddad SA. Kirolos R. A 5 Year Study the Outcome of Surgically Treated Depressed Skull Fractures. *Ann R Coll Surg Engl* 2002; 84: 196-200.
- [9] Nathoo N. Nadvi SS. Van Dellen JR. Traumatic Cranial Empyema a Review of 55 Patients. *Br J Neurosurg* 2000; 14: 326-330.
- [10] Wylen EL. Willis Bk. Narda A. Infection rate with Replacement of Bone Fragments in CDF. *Surg Neurol* 1999; 51: 452-457.
- [11] Lal R. Ehtesham G. Abid H. Anwar S. Muhammad AN. Khaleeq Z. Infection in Compound Depressed Fracture of the Skull. *JCPSP* 2007; 17: 140-143.
- [۱۲] فخاریان ا، فاضل م، تابش ه، نوابی ز. بررسی میزان بروز و هزینه‌ی ضربه‌های خفیف مغزی در کاشان ۱۳۸۳-۱۳۸۴. فصلنامه‌ی علمی پژوهشی فیض، دوره یازدهم، شماره‌ی ۳، پائیز ۱۳۸۶، ص ۶۳-۶۷.
- [13] Blankenship JB. Chaddock WM. Boop FA. Repair of Compound-Depressed Skull Fractures in Children with Replacement of Bone Fragments. *Pediatr Neurosurg* 1990/1991; 16: 297-300.
- [14] Mumtaz Ali. Liaqat Ali. Inayat Shah Roghani. Surgical Management of Depressed Skull Fracture. *J Postgrad Med Inst* 2003, 17: 116-123.